



## **بدون شناخت آرمان و واقعیت حرکتی رخ نمی دهد/ خطاب اخیر مقام معظم رهبری سطوح تصمیم گیری کشور است**

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت: عقلانیت، هدف، واقعیت و راهبردها با هم رابطه منطقی دارند. از نظر منطقی در صورتی که آرمان و واقعیت مشخص نباشد حرکتی رخ نمی دهد. انسان اگر هدف داشته باشد اما وضعیت موجود را نشناسد هدف برای او دست نیافتنی می شود و امید، نشاط و انگیزه او از بین می رود. شناخت واقعیت نه تنها از اتلاف نیرو و انرژی جلوگیری می کند که مانع از برنامه ریزی هایی می شود که عملیاتی نیستند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت: عقلانیت، هدف، واقعیت و راهبردها با هم رابطه منطقی دارند. از نظر منطقی در صورتی که آرمان و واقعیت مشخص نباشد حرکتی رخ نمی دهد. انسان اگر هدف داشته باشد اما وضعیت موجود را نشناسد هدف برای او دست نیافتنی می شود و امید، نشاط و انگیزه او از بین می رود. شناخت واقعیت نه تنها از اتلاف نیرو و انرژی جلوگیری می کند که مانع از برنامه ریزی هایی می شود که عملیاتی نیستند.

حجت الاسلام دکتر رضا برنجکار، در گفتگو با خبرنگار مهر وظیفه مسئولان و تصمیم گیران را با توجه به سخنان اخیر رهبر انقلاب درباره ضرورت نگاه جامع به مسائل، با توجه به سه مولفه آرمان ها، راهبردها و واقعیت ها این طور عنوان کرد: به اعتقاد من مخاطب اصلی فرمایشات مقام معظم رهبری کسانی هستند که تصمیم ساز و تصمیم گیر هستند. رهنمودهای ایشان کمتر شامل حال مدیران اجرایی می شود به عنوان مثال نهادهایی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و به طور کلی مسئولانی که تصمیمات کلان می گیرند یا این تصمیمات کلان را اجرایی می کنند، مشمول رهنمودهای ایشان واقع می شوند.

وی افزود: مسئولان ستادی مثل وزرای هر کابینه باید راهبردهایی که مقام معظم رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و انقلاب فرهنگی تعیین می کنند را در نظر بگیرند و بعد به برنامه ریزی عملیاتی و اجرایی بپردازند. ممکن است در شرایطی هدف فرد یا یک مسئول فقط برقراری عدالت باشد یا زمانی هدف مسئول مربوطه، ایجاد نظم است یا در شرایطی دیگر، هدف یک مسئول، عدالت، نظم و همچنین تقرب به خدا است. هر کدام با دیگری متفاوت است و بر اساس هر هدف، یک نوع برنامه ریزی نیاز است و هر مسئولی باید در حوزه تصمیمات خود برنامه ریزی کند. در واقع هر مسئولی در حوزه کاری خود همان مسئولیت حاکم اسلامی را در آن حوزه بر عهده دارد. به عبارت دیگر حاکمیت حاکم اسلامی به سلسله مراتبی در بین مسئولان تقسیم شده است. هر مسئولی بخشی از آن حاکمیت را در اختیار دارد و اگر بر اساس اهداف حاکم اسلامی برنامه ریزی کند به اهداف خود دست پیدا خواهد کرد.

حجت الاسلام برنجکار ادامه داد: یکی از اهداف حاکم اسلامی یا به عبارتی مهمترین هدفش این است که زندگی دینی افراد جامعه را به سمتی که مدنظر اسلام است سوق بدهد. در قرآن آمده: "الدنيا مزرعة الآخرة"، به این معنی که وقتی سعادت دنیوی نداشته باشیم سعادت اخروی هم ایجاد نمی شود. از همین رو اسلام به ظهور رسید تا انسان را به این سعادت دنیوی و اخروی برساند و این حرکت مهم و سازنده توسط حاکم اسلامی اجرایی می شود. این در حالی است که انجام این امر یعنی تحقق سعادت دنیوی و اخروی باید بر اساس قوانین اسلام باشد چرا که خواست اسلام، دستیابی انسان به کمال است، از همین رو مسیری که به ما پیشنهاد می دهد قطعاً مسیر مطمئن و سازنده ای خواهد بود.

وی با بیان اینکه برای آنکه برنامه ریزی را عملیاتی کنیم باید اولاً هدف را خوب بشناسیم ثانیاً وضعیت موجود را بسنجیم، یادآور شد: حاکم اسلامی هدفی را دنبال می کند و ما آن هدف را به طور کلی کمال انسان در نظر می گیریم. کسانی که قانون گذاری می کنند باید این هدف را ببینند تا نظام، جامعه و مردم به این هدف اسلام، دست پیدا کنند. در این بین دستیابی به هر هدفی نیازمند توجه به وضعیت موجود دارد. به عنوان مثال وقتی قرار است به قله کوه برسیم باید موقعیت و ویژگی های مختلف آن کوه را بسنجیم، تمرین کنیم، برنامه ریزی داشته باشیم، به امکانات و ابزارهای لازم دست پیدا کنیم، از آمادگی جسمانی لازم برخوردار باشیم، مسیر را بشناسیم و بدانیم کدام مسیر ما را ساده تر و راحت تر به مقصد می رساند. در واقع با وجود اینکه هدف، تعیین کننده است اما برنامه ریزی اهمیت بالاتری برخوردار است، یعنی باید بدانیم کجا قرار داریم؟ و چقدر با هدف فاصله داریم؟ و با توجه به این موقعیت برنامه ریزی کنیم. بعد از این مرحله یعنی پاسخ صحیح به این سوالات و اجرایی کردن آن باید سیاست های راهبردی یعنی برنامه های کلان طراحی کنیم.

این استاد حوزه راه دستیابی به موفقیت را از طریق ترکیب آرمان ها و اهداف، راهبردهای کلی و واقعیات دانست و گفت: تعیین کننده اول هدف است ولی وضعیت موجود و واقعیات نیز مهم است. هدف مشخص می کند که قصد رفتن به کجا را داریم؟ اما

واقعیات ها مشخص می کند که چطور و از چه مسیری برویم؟ با چه امکانات و چه شرایطی برویم؟ سپس با توجه به این آگاهی ها برنامه ریزی کنیم. شناخت واقعیت نه تنها از اتلاف نیرو و انرژی جلوگیری می کند که مانع از برنامه ریزی هایی می شود که عملیاتی نیستند. بنابراین اگر شناخت نسبت به واقعیت و آرمان نباشد، دستیابی به هدف میسر نمی شود.

این استاد دانشگاه درباره رابطه سه مولفه آرمان ها، راهبردها و واقعیت ها با رویکرد عاقلانه، خردمندانه و امیدوارانه تصریح کرد: عقل و خرد مانع از انجام کار لغو و بیهوده شده و اگر از این ابزار به درستی بهره گرفته شود باعث انجام کار به بهترین شکل ممکن خواهد شد. کار درست این است که هر حرکتی با هدف و مقصودی به انجام برسد. برای رسیدن به هدف اگر برنامه ریزی داشته باشیم در این صورت حرکت همراه با امید خواهد بود. به عبارت دیگر اگر بر اساس عقل حرکت کنیم امید، نشاط و انگیزه ایجاد می شود. از همین رو امید وقتی معنا پیدا می کند که هدف مشخص شود. هدف به تنهایی امید نمی آورد، البته بعضی اهداف دست نیافتنی است و انسان اصلاً نباید امیدی به تحقق آنها داشته باشد.

وی با بیان اینکه وقتی یک هدف قابل تحصیل بر اساس راهبردها تعیین شود امید و نشاط در انسان ایجاد کرده و تحرک را به دنبال خواهد آورد، گفت: عقلانیت، هدف و شناخت واقعیت و راهبردها با هم رابطه منطقی دارند. انسان اگر هدف داشته باشد اما وضعیت موجود را شناسد هدف برای او دست نیافتنی می شود و امید، نشاط و انگیزه او از بین می رود.

حجت الاسلام برنجکار در پاسخ به این سوال که از منظر تئوریک چگونه می توان رابطه آرمان و واقعیت را تعریف کرد؟ این طور پاسخ داد: از نظر منطقی و عقلی در صورتی که آرمان و واقعیت مشخص نباشد حرکتی رخ نمی دهد. حرکت یعنی از جایی به جای دیگر رسیدن، بنابراین از نظر تئوریک بدون این دو یعنی نقطه شروع و پایان و بدون شناخت آنها حرکتی واقع نمی شود. ممکن است کسی حرکت را کاملاً نفی کرده و مدعی شود که نمی خواهد حرکتی صورت بگیرد چنین موضوعی قابل درک و بررسی نیست چرا که زندگی همواره در حرکت است و موجودی که حرکت ندارد در واقع مرده است. بنابراین انسان موجودی است که ذاتاً نیاز به حرکت دارد. عقل می گوید برای حرکت به هر حال باید از نقطه ای شروع کنیم، شروع حرکت با آرمان انجام می پذیرد و وجود واقعیت، هدف و شناخت نیز برای حرکت لازم است.

وی مولفه یک رویکرد جامع و همه جانبه به مسائل را توسل به همه چیزهایی می داند که در تحقق آن هدف نقش دارند و ادامه داد: برای رسیدن به مقصود باید به همه چیز توجه کنیم آن طور نباشد که آنقدر به یک جنبه توجه کنیم که باعث شود از جنبه های دیگر غفلت کنیم یا اینکه به هدف توجه کنیم و واقعیت را نادیده بگیریم یا بالعکس، در هر بحث و علمی باید به همه مولفه هایی که در موضوع نقش دارند، توجه همه جانبه داشته باشیم.

این استاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که با توجه به شرایط کنونی کشور در حوزه بین الملل و داخلی، آرمان ها و واقعیت های ما شامل چه مواردی می شود؟ گفت: در صورت شناخت موضوعات مختلف می توان واقعیت را بهتر دید. شناخت نیز شامل اولاً امکانات و وضعیت خودمان، ثانیاً شناخت وضعیت دیگران می شود. شاید دولت های چند سده گذشته بدون وجود و کمک دیگران زندگی می کردند و به راحتی می توانستند به حیات خود ادامه دهند، اما شرایط امروز به شکلی است که بدون توجه و تعامل با کشورهای دیگر نمی توان ادامه داد. بنابراین ما برای شناخت واقعیت علاوه بر آنکه باید ویژگی های دولت و ملت خودمان را بشناسیم باید در مورد امکانات، وضعیت و اهداف، عملکردها و راهبردها و نقاط قوت و ضعف کشورهای همسایه شناخت داشته باشیم، به عبارت دیگر همان شناخت هایی که نسبت به خودمان داریم باید در مورد کشورهای دیگر هم بدست آوریم، البته این شرایط در مورد اهداف و آرمان ها مطلق است یعنی ما اهداف و آرمان های خودمان را مشخص می کنیم و از آنجا که معتقد به اسلام هستیم آرمان ها و اهدافی که اسلام برای ما مشخص کرده و کاملاً با عقل و منطق سازگار است را پیش می گیریم. در این مسیر نباید نگاه تک بعدی داشته باشیم بلکه باید همه جانبه به مسائل توجه داشته باشیم، در این صورت سعادت ابدی انسان در دنیا و آخرت حاصل خواهد شد.